

مطالعه ویژگیهای رفتاری پدران پر اولاد در جامعه روستائی

Dr. I. Kalafi⁽¹⁾, Dr. S. A. Tavalalizadeh⁽²⁾.

A Study on Personality Traits of Fathers with more than 6 Children In Fassa Rural Area.

Abstract: This research has been done in order to evaluate personality traits of those fathers who have more than 6 children in rural areas.

Before starting this research, the basic assumption was that these persons probably have special personality traits, so we considered 2 separate groups of men in the village areas of the city of Fassa.

All of the men were laborers or farmers. Of these groups, one group of men had at least 6 children, (so called high children fathers), and the other group had 3 or less children (so called low children fathers).

The men answered a 71 MMPI questionnaire privately (a personality test with 11 scales). Both groups of men were belonged to the normal population. Except for (F) scale there was no significant meaningful difference between them. With attention to the (F) scale difference, and interpretation of other minor findings, it can be concluded that high children fathers in relation to low children fathers are less flexible and more self centered and unstable.

جهت گسترش برنامه‌های بهداشتی تنظیم جمعیت خانواده‌است و برای تأمین آن، داشتن اطلاعات روان‌شناختی مربوطه ضروری است لذا یک پژوهش مقدماتی از نوع توصیفی بر روی یکصد نفر از پدران پر اولاد (۶ فرزند یا بیشتر) و یکصد نفر پدران کم اولاد (۳ فرزند یا کمتر) در جامعه روستائی استان فارس با آزمون فرم کوتاه شده پرسشنامه شخصیتی در چندوجهی مینه‌سوتا رابطه (MMPI) در سال ۱۳۷۳ انجام گرفت. این تحقیق نشان می‌دهد که بین دو گروه در مقیاس (F) معنی‌داری از نظر آماری وجود دارد ($P < 0.05$).

مطالعه ویژگیهای رفتاری پدران پر اولاد در جامعه

روستائی

دکتر یونس کلافی

دانشیار بخش روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

دکتر سید عباس تولائی زاده (روان پزشک)

چکیده

افزایش جمعیت جهان یک مشکل گسترده در ابعاد مختلف اجتماعی است و اکثر کشورها به‌نحوی از این معضل رنج می‌برند. یکی از راههای کنترل ازدیاد موالید، تلاش در

1. Lecture. Shiraz Univ. of Medical Sciences.

2. Psyhiatrist.

ویژگی این واحدهای شخصیتی و زمینه‌های مساعد فرهنگی برای بروز آنها مورد بحث قرار گرفته است.

مقدمه

ازدیاد جمعیت یکی از اساسی‌ترین مشکلات جهان امروز است. درحال حاضر جمعیت دنیا با نرخ ۱/۷٪ در سال افزایش می‌یابد (۱). کشورهای درحال توسعه از جمله ایران با رقم رشد ۲/۱٪ روبرو می‌باشند (۲). در صورت استمرار چنین آهنگ رشدی تعداد نفوس کشورمان در سال ۱۳۹۰ به رقم ۹۵ میلیون نفر خواهد رسید (۳).

پیرامون علل افزایش جمعیت، کارشناسان نظریات متفاوتی ابراز کرده‌اند. از جمله اقتصاد دانانی نظیر لیبشتین (Leibenstein) و بیکر (Baker) معتقدند که افزایش و یا کاهش جمعیت صرفاً جنبه اقتصادی دارد (۴). جمعیت‌شناسانی نظیر استرلین (Easterlin) نقش توأم عوامل اجتماعی و اقتصادی را مؤثر می‌داند (۵). فریدمن (Freedman) باروری و افزایش مولید در جوامع را با سنتها و فرهنگ و ساختار اجتماعی ربط می‌دهد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق متغیرهای واسطه‌ای عمل می‌کنند (۶).

در کشور ما نیز مطالعات متعددی درباره باروری و رابطه آن با عوامل اقتصادی و مشکلات اجتماعی انجام گرفته‌اند. پایدارفر (۱۳۵۴) با بررسی‌های خود در مناطق شهری و روستایی استان فارس نشان داد که نرخ رشد جمعیت با وضعیت اقتصادی خوب در روستاها رابطه مثبت و در شهرها نسبت معکوس دارد (۷).

هما آقا (۱۳۶۳) در مطالعه خود به رابطه منفی بین میزان باروری و سواد به ویژه در زنان اشاره دارد (۸).

شایان ذکر است که اکثر مطالعات جمعیت‌شناسان، به نقش مسائل اقتصادی و اجتماعی بر میزان باروری تأکید دارد و متغیرهای روانی و ویژگیهای رفتاری فرد حداقل به طور مستقیم مورد توجه قرار نگرفته است. چنین عواملی را مجموعاً در چهارچوب علل فرهنگی و اجتماعی قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به لزوم نگرش چندسویه در مورد اهمیت مسئله کنترل جمعیت، مطالعات با دیدگاه روان‌شناسانه

مورد عنایت قرار نگرفته است و تأکیدی بر این جایگاه ضروری می‌نماید. زیرا درامر تنظیم جمعیت، آموزش بهداشت خانواده یکی از رکن‌های بنیادی آن است و برای نیل به این منظور بهره‌گیری از دانشهای مختلف از جمله علوم روان‌شناسی الزامی است (۹).

محققان مقاله حاضر بر این اعتقادند که نگرش افراد نسبت به کنترل مولید و اشتیاق آگاهانه و یا ناآگاهانه آنها برای صاحب اولاد شدن از مجموعه ویژگیهای رفتاری و منشی آنها و متغیرهای محیطی نشأت می‌گیرد و در این راستا ماهیت ویژگیهای شخصیتی پدران پراولاد مورد بررسی قرار گرفته است که شاید گامی در جهت حل این معضل باشد.

تعریف مفاهیم اشاره شده در متن

واحدهای شخصیت Personality traits: نکات و جهات ویژه شخصیت یک فرد هستند که در حوزه اصطلاحات توصیفی بوده و در محدوده طبیعی قرار دارند (۱۰). خانواده: شامل زن و شوهر و فرزندان می‌باشد. خانواده پراولاد: اشاره به خانواده‌ای است که به تعداد ۶ نفر یا بیشتر فرزند دارند (۱۱).

خانواده کم‌اولاد: خانواده کم اولاد با در نظر گرفتن مصوبات جمهوری اسلامی ایران به داشتن ۳ فرزند یا کمتر اطلاق شده است.

روش پژوهش

جمعیت آزمودنی شامل یکصد نفر پدر پراولاد و یکصد نفر کم‌اولاد بودند که از جامعه روستایی شهرستان فسا (استان فارس) در سال ۱۳۷۳ انتخاب گردیدند و برای روائی و یا پایائی پژوهش متغیرهای مداخله‌گر نظیر سن، زمان ازدواج، سن پدر در زمان بررسی، مدت ازدواج و میزان سواد در هر دو گروه تشابه داشتند. شغل تمامی افراد، کشاورزی یا کارگری و تحصیلات آنها در مقاطع دبیرستان و راهنمایی بود.

ابزار پژوهش

فرم کوتاه شده (۷۱ سئوالی) پرسشنامه شخصیتی چند وجهی مینه‌سوتا (MMPI) بود که پس از ارائه توضیحات

بحث

هیپوکندری Hs: بالا بودن نمرات افراد پرآلود نسبت به گروه دیگر در این مقیاس، احتمالاً نشان دهنده نگرانی آنها نسبت به عملکرد سلامتی جسمی خود می باشد.

افسردگی D: تفاوت نمرات بین دو گروه در این شاخص ممکن است حاکی از درجه بیشتر افسردگی در پدران کم آلود باشد.

هیستری Hy: در این مقیاس گروه پدران پرآلود اندکی نمرات بالاتری کسب کرده اند که شاید بیانگر درجه خودمحوری بیشتر این گروه باشد.

پسیکوپاتی Pd: نمرات پدران پرآلود در این شاخص اندکی بالاتر از گروه دیگر است که احتمالاً بیانگر قیود و رعایت بیشتر قوانین و اصول در نزد گروه کم آلود باشد.

پارانویا Pa: در این شاخص تفاوت اندک بین دو گروه ممکن است حاکی از وسعت بیشتر دامنه انعطاف پذیری در نزد پدران کم آلود باشد.

پسیکاستنی PT: بالا بودن اندک نمرات پدران کم آلود در این مقیاس شاید حاکی از اضطراب و دلواپسی بیشتر در نزد این گروه باشد.

هیپومانیا Ma: تفاوت نمرات بین دو گروه احتمالاً نشانه وجود خلق بالاتر پدران پرآلود نسبت به گروه دیگر باشد.

در بین یافته ها مقیاس شدت ناراحتی (F) رابطه آماری معنی داری را نشان می دهد ($P < 0.05$). بنابراین با ملاحظات پیشگفت، اگرچه نمی توان بر روی آسیب شناسی روانی خاصی در گروه مذکور اشاره کرد ولی در تحلیل کلی چنین استنباط می گردد که پدران کم آلود ساختار و بینش تفکری واقع بینانه تر و عملکرد رفتاری باثبات تری دارند و در مقابل پدران گروه پرآلود درجه بروز بالاتری از اختلال عملکرد شخصیتی، در زمینه های مساعد اجتماعی دارند و در این تعامل، اشاره به چند نکته در زمینه های فرهنگی و اجتماعی که انسان شناسان آن را از عوامل مؤثر در شکل گیری واحدهای شخصیت می دانند (۱۲) ضروری می نماید.

نگرش دین مبین اسلام در رابطه با کنترل جمعیت

استنباط عوام از احکام اسلام مبنی بر ترغیب ازدواج و صاحب اولاد شدن به صورت تشویق برای داشتن فرزندان خوب تفهیم نشده است و این برداشت، سبب گردیده که به

ضروری توسط پرسشگر، آزمودنی ها در مدت ۲۰-۱۵ دقیقه به آن پاسخ می دادند. برای کاهش خطای پژوهشی، پدرانی که تعداد اولاد مورد دلخواه آنان با تعداد فرزندان که در زمان تحقیق داشتند هم خوانی نشان نمی داد، از مطالعه حذف گردیدند.

یافته ها

مقایسه متغیرهای سن پدر و سن زمان ازدواج و طول مدت آن و سواد در دو گروه در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

جدول شماره (۱): مقایسه متغیرهای مداخله گر بین پدران دو گروه

متغیرها	پدران پرآلود		پدران کم آلود	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سن	۴۵/۷۲	۳/۱۴	۴۵/۶۳	۲/۸۴
سن ازدواج	۳۸/۰۹	۲/۲۶	۲۸/۰۳	۲/۱۸
مدت ازدواج	۱۷/۶۳	۱/۹۳	۱۷/۶	۱/۷۵
سواد	۱۰/۷۹	۲/۱۸	۱۰/۸۷	۲/۳۸

در تمام موارد ذکر شده اختلاف آماری معنی دار نمی باشد ($P > 0.05$).

جدول شماره (۲) مقایسه نمرات مقیاسها را در دو گروه مورد مطالعه نمایش می دهد. با این که در تمامی ۱۱ مقیاس، تفاوت بین دو گروه مشاهده می شد ولی تنها مقیاس (F) از نظر آماری معنی دار بود ($P < 0.05$).

جدول شماره (۲): مقایسه نتایج آزمون MMPI بین پدران دو گروه

متغیرها	پدران پرآلود		پدران کم آلود	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دروغگویی	۵۵/۱۶	۸/۹۵	۵۵/۰۸	۹/۵
شدت ناراحتی	۵۶/۱۱	۱۱/۰۳	۵۳/۴۷	۱۰/۰۲
حالت دفاعی	۵۱/۸۲	۹/۵	۵۳/۰۶	۱۰/۴۲
هیپوکندری	۵۵/۰۷	۷/۹۶	۵۳/۶۳	۷/۸۹
انسدادگی	۵۷/۳۸	۱۰/۱۶	۵۷/۷۱	۱۰/۳۶
هیستری	۵۰/۸۲	۱۰/۲۷	۵۰/۰۷	۱۰/۵۸
پسیکوپاتی	۵۳/۴۳	۱۱/۳	۵۲/۶	۹/۹۵
پارانویا	۵۴/۸۴	۹/۷۸	۵۳/۰۱	۹/۵۵
پسیکاستنی	۵۲/۹۹	۱۰/۳۱	۵۳/۱۳	۱۱/۸
اسکیزوفرنی	۵۲/۹۹	۹/۴۷	۵۳/۴۱	۱۱/۳۲
مانیا	۴۹/۹	۱۰/۴۹	۴۸/۴۵	۱۱/۴۵

ساختار شخصیتی، به عنوان عامل مستقل از سایر متغیرهای واسطه‌ای در تنظیم خانواده نقش دارند و یا نه؟، بیان نمی‌کند، ولی محققان بر این عقیده‌اند که واحدهای شخصیتی در تعامل با زمینه‌های مساعد باورهای سنتی امکان بروز عملکردی دارند و با تغییر الگوهای رفتاری پیشگفت و اصلاح مفاهیم تحریف شده، احتمالاً می‌توان اثر آن را کاهش داد.

REFERENCES

- ۱- عسگری، محمدرضا: پژوهشی در گیتاشناسی جمعیت. تهران، انتشارات شیرین، ۱۳۶۹
- 2 . Escap, Population Data Sheet, United Nations Publication, 1993.
- ۳- لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، پیوست شماره ۱ سازمان برنامه و بودجه ص ۶-۲.
- 4 . Leibenstein, H. The Economic Theory of Fertility Decline. Research Papers Series, 1, Harvard Center for Population Studies, Harvard Univesity, 1974.
- 5 . Easterlin ,R.A. The Economic and Sociology of Fertility: A Synthesis, in Early Industrialization Shifts in Fertility and Challanges in Family Structure. Princeton: Princeton University Press. 1973.
- 6 . Freedman, R. "The Sociology of Human Fertility". Current sociology. Vol. 2, No. 10,1. P.P. 34-121. 1961-62.
- ۷- پایدارفر، علی اکبر: پدیده نوگرانی و ارتباط آن با میزان باروری. مرکز جمعیت شناسی شیراز، ص ۶-۳، ۱۳۵۴.
- ۸- آقا، هما: بررسی باروری در ایران و رابطه آن با شاخصهای وضعیت اقتصادی و اجتماعی. مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز، ص ۱۴، ۱۳۶۴.
- ۹- اسکاتنی، نورمان: آموزش بهداشت. ترجمه نصراله قاضی نوری- مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز، چاپ دوم خرداد ماه، ص ۵-۲، ۱۳۶۳.
- ۱۰- بهرامی، غلامرضا: فرهنگ اصطلاحات روان پزشکی. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- 11 . The Determinates and Consequences of Population. United Nations. PP. 77-78, 1973.
- ۱۲- کلاین برگ. اتو: روانشناسی اجتماعی. ترجمه دکتر علی محمد کاردان، نشر اندیشه. تهران. ص ۱۱، ۱۳۷۰.
- ۱۳- کتابی، احمد: نظریات جمعیت شناسی. انتشارات اقبال. تهران، چاپ سوم، ص ۱۷، ۱۳۷۰.

سویه‌های دیگر این مسئله یعنی تأکید بر مدنظر گرفتن حدود امکانات و توانائی‌های والدین در رابطه با تعلیم و تربیت فرزندان صالح بی‌توجهی شود و صرفاً مستمسکی برای ارضای خواسته‌های درونی باشد (۱۳).

شخصیت جامعه

جامعه شناسان معتقدند که داده‌های روانی جامعه بر شخصیت پایه‌ای افراد متشکل آن اثر گذاشته و برحسب این داده‌ها، شبکه پیچیده‌ای از رفتارها، طرز تلقی‌ها و همسازیه‌ها بدست آید که در حقیقت، شخصیت و وجوه اشتراک یک گروه یا جامعه است. در جوامع روستایی کشورمان هنوز آثار و ردپای باورهای سنتی رادر جریان تعداد اولاد به‌طور چشمگیری مشاهده می‌کنیم. این جوامع ادامه دهنده روش نیاکان خود هستند. اقوام و محل تولد به آنها هویت می‌دهد و افراد آن در برابر این پرسش که شما کی هستید؟ پاسخ می‌دهند که من فرزند فلانی هستم و یا از فلان محل می‌باشم. به سرنوشت معتقد بوده و آنرا بر قدرت تصمیم‌گیری فرد مقدم می‌شمارند. آنها نمی‌دانند که اختیار و اراده آزاد انسان، برای برنامه‌ریزی زندگی خود یک موهبت الهی است و باید از آن استفاده کرد. در این راستا برای بچه‌دار شدن نیز برنامه‌ریزی آگاهانه‌ای نداشته و در حقیقت برنامه‌ریزی برای تعداد اولاد به تصادف سپرده می‌شود.

مقام ارزشی فرزند برای والدین

بانگرش بر مقام ارزشی فرزند در جوامع روستائی تا حدودی می‌توان به عملکرد واحدهای شخصیتی در بچه‌دار شدن پی برد. منظور از مقام ارزشی، نقشی است که فرزند در انجام خدمات یا ارضای نیازهای والدین به‌ویژه پدر دارد. این ارزش با تغییرات عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی نوساناتی پیدا می‌کند. مقام ارزشی فرزند در جوامع پیشگفت کشورمان، علاوه بر وجوه مشترک با جوامع دیگر نظیر احساس شادی، همانند سازی، کمال‌گرایی جایگاه مهمی در ایجاد امنیت اقتصادی، نظیر کار در مزرعه و قیمومیت والدین در اوقات پیری و ناتوانی و حفظ هم‌بستگی خانواده گسترده، کسب نموده است و وقتی این ارزش کامل شد، به این معنی است که تعداد فرزندان به حد کفایت رسیده است. پژوهش حاضر، پاسخ این پرسش را که آیا واحدهای ویژه